

بازخوانی نظریه ابن تیمیه درباره حدیث «باب»

و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت

محسن رفیعی *

معصومه شریفی **

چکیده: حدیث «باب» یا حدیث «مدینه العلم»، به نقل از رسول خدا ﷺ در شأن امیرمؤمنان امام علی (ع)، با طرق گوناگون و سندهای صحیح و حسن در منابع اهل سنت وارد شده است. این حدیث، جایگاه والا و گستره مرجعیت علمی آن حضرت را نشان می‌دهد. ابن تیمیه، با تکیه بر نظر ابن جوزی، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. بررسی سیره ابن تیمیه در برخورد با فضایل اهل بیت رسول ﷺ، نشان داده که وی با اعتماد به استدلالهای ناستوار، نسبت به فضیلت سوزی و مرجعیت زدایی از اهل بیت (ع) و فضیلت‌سازی و مرجعیت‌نمایی برای دیگران همت گمارده است. سخنان ابن تیمیه، به دلیل ناسازگاری با مسلمات تاریخی و منابع

*. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم آیت الله طالقانی - قم)
**. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم حضرت معصومه - قم)



اهل سنت، پذیرفتنی نیست و قابل نقد است.

کلیدواژه‌ها: حدیث «باب» / حدیث «مدینه العلم» / امام علی علیه السلام / مرجعیت علمی / ابن تیمیه.

بیان مسأله

مسئله اعلیت و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، از مسائل مطرح در میان مسلمانان است؛ به گونه‌ای که از دیرباز، توجه بسیاری از محدثان، مفسران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. طرفداران نظریه اعلیت و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام برای اثبات دیدگاه خویش، به دلایل قرآنی و روایی استناد کرده‌اند که حدیث «باب» یا حدیث «مدینه العلم»، یکی از همان دهها دلایل روایی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث «باب»، خویش را «شهر علم»، و امیرمؤمنان امام علی علیه السلام را «دروازه این شهر» معرفی کرده است. ابن تیمیه، حدیث «باب» را ساختگی می‌داند. وی، پس از تکذیب سند، به توجیه متن حدیث پرداخته است. قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، ضمن باطل انگاشتن این حدیث، آن را ساخته و پرداخته شیعه می‌داند؛ سپس در توجیه دیدگاه خویش، این‌گونه می‌نویسد: «پیامبر شهر علم است و یارانش درهای آن». اساسی‌ترین مسئله در این پژوهش، بررسی حدیث یاد شده بر اساس دیدگاه اهل سنت است. اینک در پی یافتن پاسخ مناسب برای این پرسشها هستیم: آیا حدیث «باب»، از اصالت برخوردار است؟ سند این حدیث، از چه درجه‌ای از صحت در منابع اهل سنت برخوردار است؟ دلایل ابن تیمیه در تکذیب سند و توجیه متن حدیث یاد شده چیست؟ آیا دلایل وی استوار است؟ نقدهای وارد بر نظریه ابن تیمیه چیست؟

نیم‌نگاهی بر دیدگاه ابن تیمیه درباره حدیث «باب»

۱. تکذیب سند

ابن تیمیه، در جواب علامه حلی که به برخی از آیات و روایات، از جمله حدیث «باب»، برای اثبات افضلیت و اعلیّت امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) استناد کرده؛ می‌نویسد: «و این حدیث [(حدیث باب)] ضعیف‌تر و سست‌تر [از آن دلایلی است که برای اثبات افضلیت و امامت علی آورده شده] می‌باشد؛ لذا در زمره احادیث جعلی به شمار می‌آید؛ گرچه آن را ترمذی روایت کرده ولی ابن جوزی آن را ذکر کرده و بیان نموده که تمام طرق آن جعلی است و دروغ بودنش از خود متن نیز شناخته می‌شود».

۲. توجیه متن

وی پس از تکذیب سند، در پی توجیه متن برمی‌آید و می‌گوید: «اگر پیامبر، شهر علم باشد و برای آن، یک در وجود داشته باشد، تنها یک علم از آن تبلیغ می‌شود و امر اسلام تنها یک مبلغ از سوی پیامبر برای علم خواهد داشت؛ بلکه واجب است به تواتر از سوی مبلغان باشد...»^۱.

قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، حدیث «باب» را حدیثی باطل می‌داند و معتقد است که: «پیامبر ﷺ شهر علم است و یارانش درهای آن؛ پس برخی از آنان بر اساس جایگاه‌شان در علوم، دری باز و یا متوسطانند.

اما آن که گفته آنان همه مؤمنان هستند، راست گفته؛ زیرا هر مؤمنی کتاب را می‌داند و وجه اعجازش را درک می‌کند و به راستی پیامبر ﷺ گواهی می‌دهد».^۲



۱. ابن تیمیه، منهاج السنّة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۲. قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶ و ۳۳۷ (در پاورقی آمده است: «جزم ابن تیمیه بآئه من وضع الشیعة»).

گذری بر مجموعه احادیث «باب»

دیدیم که ابن تیمیه، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. اکنون بینیم حدیث «باب» چیست و از چه جایگاهی نزد اهل سنت برخوردار است؛ تا از این مسیر، میزان صداقت ابن تیمیه روشن شود.

مجموعه احادیث «باب» را که رسول خدا ﷺ در شأن امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده است، با سه دسته از الفاظ می توان در منابع حدیثی دید: ۱- **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا**؛ ۲- **أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا**؛ ۳- **أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا**. بسیاری از محدثان، مفسران و تاریخ نگاران نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا؛ فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»

حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عباس، از رسول خدا ﷺ نقل کرده؛ سپس می نویسد: «هذا حديث صحيح الإسناد ولم يُخرجاه»^۱. این روایت، با الفاظی دیگر نیز نقل شده است؛ از جمله:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا؛ فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»^۲

۱. حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ (به نقل از: ابن عباس)؛ متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۸.
۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۲۷ (به نقل از: جابر بن عبد الله)؛ سیوطی، الجامع الصغیر: ج ۱، ص ۴۱۵؛ مناوی، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر: ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱ (مناوی، پس از نقل حدیث آورده است: فَإِنَّ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةُ الْجَامِعَةُ لِمَعَانِي الدِّيَانَاتِ كُلِّهَا أَوْ لَا بَدْ لِلْمَدِينَةِ مِنْ بَابٍ فَأَخْبِرَ أَنَّ بَابَهَا هُوَ عَلِيٌّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، فَمَنْ أَخَذَ طَرِيقَهُ دَخَلَ الْمَدِينَةَ وَ مَنْ أَخْطَأَهُ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْهُدَى وَ قَدْ شَهِدَ لَهُ بِالْأَعْلَمِيَّةِ الْمَوْافِقِ وَ الْمُخَالَفِ وَ الْمَعَادِي وَ الْمُحَالَفِ... صَحَّحَهُ وَ كَذَا أَبُو الشَّيْخِ [ابن حبان] فِي السَّنَةِ كُلِّهِمْ [عن ابن عباس] ترجمان القرآن، عن [جابر بن] عبدالله و رواه أحمد بدون «فمن». قال الذهبي كابين الجوزي: موضوع. و قال أبو زرعة: كم خلق افتضحوا به. قال ابن معين: لا أصل له. و قال الدار قطني: غير ثابت. و قال الترمذي عن البخاري: منكر و تعقبه جمع أئمة منهم الحافظ العلائي فقال: من حكم بوضعه فقد أخطأ و الصواب أنه حسن باعتبار طرقه لا صحيح و لا ضعيف و ليس هو من الألفاظ المنكرة الذي تأبها العقول... و قال الزركشي: الحديث ينتهي إلى درجة الحسن المحتج به و لا يكون ضعيفاً فضلاً عن كونه موضوعاً و في لسان الميزان هذا الحديث له طرق كثيرة في المستدرک أقل أحوالها أن يكون



«أنا مدينة العلم وعلیُّ بابها؛ فمن أراد العلمَ فليأتها من بابها»^١

«أنا مدينة العلم وعلیُّ بابها؛ فمن أراد العلمَ فليأتِهِ من بابِهِ»

«أنا مدينة العلم وعلیُّ بابها»^٢

«لحديث أصل و لا ينبغي إطلاق القول عليه بالوضع. و رواه الخطيب في التاريخ باللفظ المزبور من حديث ابن معاوية عن الأعمش عن مجاهد عن ابن عباس ثم قال: قال القاسم: سألت ابن معين عنه فقال: هو صحيح. قال الخطيب: قلت أراد أنه صحيح من حديث أبي معاوية و ليس بباطل إذ رواه غير واحد عنه و أفتى بحسنه ابن حجر و تبعه البخاري فقال: هو حديث حسن؛ عجلوني، كشف الخفاء: ج ١، ص ٢٠٣ و ٢٠٤ (با این لفظ: «فمن أتى»؛ حاکم حسکائی، ج ١، ص ١٠٤ نیز بنگرید: صدیق مغربی، «فتح الملک العلی»؛ عبقات الأنوار، مجلد حديث مدينة العلم).

١. حاکم نیشابوری، ج ٣، ص ١٢٧ (به نقل از: ابن عباس؛ عبدالله بن الصديق المغربي، رد اعتبار الجامع الصغير: ص ١٥) أنا مدينة العلم و علیُّ بابها فمن أراد العلمَ فليأت بابهِ. قال الألباني: موضوع. و قال الشيخ بل صحيح؛ ابن أبي الحديد معتزلي، ج ٧، ص ٢١٩.

. طبرانی، ج ١١، ص ٥٥؛ هيثمي، ج ٩، ص ١١٤ (به نقل از: ابن عباس؛ حاکم حسکائی، ج ١، ص ٤٣٢ (به نقل از: امام علی عليه السلام)).

٢. زمخشری، ج ٢، ص ١٦؛ الفتني، ص ٩٥ (أورده من حديث عليّ و ابن عباس و جابر قلت قد تعقب العلائي علي ابن الجوزي في حكمه بوضعه ينتهي بطرقه إلى درجة الحسن فلا يكون ضعيفاً فضلاً عن أن يكون موضوعاً و قال ابن حجر صححه الحاكم و خالفه ابن الجوزي فكذبه و الصواب خلاف قوله و الحديث حسن لا صحيح و لا كذب؛ مناوي، ج ١، ص ٤٩) «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها» أي به يتوصل و قد يقال أبواب الجنة و أبواب جهنم للأسباب الموصلة إليها؛ سقاف، ج ٣، ص ٨٣-٨١ (صححه ابن معين كما في «تاريخ بغداد»، و الإمام الحافظ ابن جرير الطبري في «تهذيب الآثار» مسند سيدنا عليّ و الحافظ العلائي في «النقد الصحيح»، و الحافظ ابن حجر و الحافظ السيوطي كما في «اللتالي المصنوعة»، و الحافظ السخاوي كما في «المقاصد الحسنة»؛ علوي، ص ٣ و ١٠ و ١١ (ابن حديث را صحيح دانسته و در شرح اين دو حديث: «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها» و «أنا دار الحكمة و علیُّ بابها» آورده است: «يفيد أن جميع ما في المدينة و الدار من العلم و الحكمة يكون طريق خروجه من هذا الباب. و لهذا جاء بعده: فمن أراد العلم أو قال الحكمة فليأت الباب. و هذا فيه حصر ادعائي، و هو يفرض أن عدى المقصور عليه في حكم المعدوم، و هو في الحقيقة ليس بمعدوم. و ذلك إذا علم أن أحداً وصل في وصف الغاية و الذروة جاز أن يحصر هذا علي وجه المبالغة، كأنه و حيد فيه، مع أن الحقيقة غير ذلك، فيكون هذا الباب الذي يخرج منه علم المدينة أو الذي يخرج منه حكمة الدار هو علي عليه السلام، مبالغة، مع أن غير علي يشارك علياً من الأخذ عن طريق هذا الباب من علم المدينة أو حكمة الدار، لكن لما كان أكثر علم هذا الباب يحمله علي عليه السلام، أطلق عليه أنه الباب، و يرجع ذلك إلى أن علياً أعلم الصحابة؛ حاکم حسکائی، ج ١، ص ١٠٧ (به نقل از: امام علي عليه السلام)؛ راغب، ص ٦٤ (أي به يتوصل).

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد المدينةَ فليأتها مِن أبها»^۱

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد الدارَ فليأتها مِن قبل أبها»^۲

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد العلمَ فليأتها مِن أبها»^۳

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد العلمَ فليأت بابَ المدينة»^۴

حدیث «باب»، بیانگر دو نکته اساسی است: یکی اینکه رسول خدا ﷺ، یگانه شهر، برای همه علوم دین است؛ دیگر اینکه امیرمؤمنان علیؑ نیز یگانه در، برای این شهر است. هرکس بخواهد جرعه‌ای از اقیانوس علم پیامبر ﷺ را بنوشد، باید از شریعه امام علیؑ بگذرد. این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلمیت و مرجعیت امام علیؑ در امت پیامبر ﷺ است.

از ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«أنا مدينة الحكمة و عليُّ بأبها»^۵

نیز از امام علیؑ و ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«أنا دارُ الحكمة و عليُّ بأبها»^۶

۱. متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۷ (به نقل از ابن عباس).
۲. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۵ (به نقل از ابن عباس مرفوعاً)؛ أحمد بن الصديق المغربي، ص ۴۴ (با سند از ابن عباس).
۳. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۶ (به نقل از امام علیؑ).
۴. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۷ (از امام علیؑ).
۵. أحمد بن الصديق المغربي، ص ۴۳.
۶. ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۱ (ترمذی نوشته: هذا حديث غريب منكر روى بعضهم هذا الحديث عن شريك و لم يذكروا فيه عن الصنابجی و لا نعرف هذا الحديث عن أحد من الثقات غير شريك)؛ ألبانی، ص ۵۰۱؛ مبارکفوری، ج ۱۰، ص ۱۵۵ و ۱۵۶ (درباره این سخن ترمذی: «هذا حديث غريب منكر» می‌نویسد: اختلف أهل العلم فى هذا الحديث فقال ابن الجوزى و غيره إنه موضوع و قال الحاكم و غيره إنه صحيح. قال الحافظ ابن حجر و الصواب خلاف قولهما معا و أن الحديث من قسم الحسن لا يرتقى إلى الصحة و لا ينحط إلى الكذب...): أبويعلی موصلى، ج ۲، ص ۵۸؛ سیوطی، الجامع الصغير، ج ۱، ص ۴۱۵؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۰ و ج ۱۳، ص ۱۴۷؛ حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ عبدالله بن

علاوه بر نسبت میان «مدینه» با «دار» و «علم» با «حکمت»، از این دو مجموعه حدیث به دست می آید که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، یگانه شهر و خانه همه علوم است؛ و از آنجا که بهترین محافظ برای آن، دیوار و حصار آن است و برای رسیدن به درون، چاره ای جز ورود از مسیر دروازه آن نیست؛ پس هرکس این دروازه را یافت و از آن پیروی کرد، به درون شهر نیز راه می یابد و هرکس به خطا رفت، به درون شهر نیز راه نخواهد یافت.

از این احادیث می توان فهمید که امام علی علیه السلام بهترین مرجع و راهنما برای دستیابی به همه شریعت است که سرچشمه اش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله است. افزون بر مجموعه احادیث «باب»، احادیث دیگری نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره جایگاه علمی امام علی علیه السلام نقل شده است که می تواند تفسیری برای حدیث «باب» باشد. برخی از این احادیث، چنین است.

الف) حدیث «عیبه علمی»

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«علی عیبه علمی»^۱

منای، در «فیض القدير شرح الجامع الصغير»، حدیث یاد شده را این گونه تبیین می کند:

«الصدیق المغربي الغماری، ص ۱۵ (قال الألبانی: موضوع و قال الشيخ ضعيف): أحمد بن الصديق المغربي، ص ۴۴ (از ابن عباس)، ص ۵۳ و ۵۴ (با چهار طریق از امام علی علیه السلام). و قال ابن جریر: هذا خبر عندنا صحيح سنده؛ علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۲۰؛ منای، ج ۳، ص ۶۰ (آورده است: «أنا دارالحكمة» و فی رواية أنا مدينة الحكمة «و علي بابها» أي علي بن أبي طالب هو الباب الذي يدخل منه إلى الحكمة فنهايك بهذه المرتبة ما أسناها و هذه المنقبة ما أعلاها)؛ عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۳ (به نقل از: امام علی علیه السلام)؛ علوی، (این حدیث را صحیح دانسته است).

۱. ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۴ (با اسناد خویش)؛ ذهبی، ج ۲، ص ۳۲۷؛ موفق خوارزمی، ص ۸۷؛ سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۷؛ عبدالله بن عدی، ج ۴، ص ۱۰۱ (با ذکر سند)؛ ابن أبی الحدید، ج ۹، ص ۱۶۵ (گاهی نیز فرموده است: «خازن علمی»؛ علوی، ص ۷۲؛ إربلی، ج ۱، ص ۹۰؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۳۸۹ و ۳۹۰؛ ج ۲، ص ۷۷ و ۹۶.

أى مظنة استفصاحى و خاصتى و موضع سرى و معدن نفائسى. و العيبة ما يجرز الرجل فى نفائسه. قال ابن دريد: و هذا من كلامه الموجز الذى لم يسبق ضرب المثل به فى إرادة اختصاصه بأمره الباطنة التى لا يطلع عليها أحد غيره و ذلك غاية فى مدح عليّ و قد كانت ضامراً أعدائه منظوية علي اعتقاد تعظيمه و فى شرح الهمزية: أنّ معاوية كان يرسل يسأل علياً عن المشكلات فيجيبه فقال أحد بنيّه: تجيب عدوك قال: أما يكفيني أن احتاجنا و سألنا.^۱

نیز از ابو سعید خدری نقل می کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إن عيبى التى آوى إليها أهل بيتى». (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ سیوطی،

ج ۳، ص ۲۷۰)

از سخن رسول خدا ﷺ و مطالب یاد شده، به دست می آید که امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل بیت (علیهم السلام)، صاحبان سرّ و کلید داران خزینة علم رسول خدا ﷺ هستند و کسانی که این گونه اند، بهترین مرجع برای امت پس از پیامبرش خواهند بود.

ب) حدیث «باب علمی»

از ابوذر نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علیُّ بابٌ علمی و مبینٌ لأمتی ما أرسلتُ به من بعدی، حُبُّه إيمانٌ و بُغْضُهُ نفاقٌ و النظرُ إليه رَافَةٌ»^۲.

۱. مناوی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰. نیز راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن»: ص ۳۵۱، اصطلاح «عیبة» را به معنای «موضع سرّ» معنا کرده است.

۲. عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۴ و ۶۱۵؛ أحمد بن الصدیق المغربی، ص ۴۷؛ نیز، نک: إربلی، ج ۱، ص ۹۲؛ صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۳۰۱ (این لفظ را اضافه دارند: «...و مودّته عبادة»);

نیز، ر.ک: موفّق خوارزمی، ص ۱۲۹؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۳۹۲ (با این لفظ: «...و أنت باب علمی...»); أحمد بن الصدیق المغربی، فتح الملك العلی بصحة حدیث باب مدینه العلم علی: ص ۴۷ (علی باب علمی و مبین لأمتی ما أرسلتُ به من بعدی).

نیز از ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«أتاني جبريل بדרنوك من الجنة، فجلست عليه، فلما صرت بين يدي ربي كَلَّمَنِي و ناجاني فما علمت شيئاً إلا علمته عليّاً، فهو باب علمي، ثم دعا إليه فقال: يا عليّ سلّمك سلمى، و حزبك حزبي، و أنت العَلَمُ فيما بيني و بين أمتي^۱»

نیز عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ به عبدالرحمن بن عوف فرمود:

«يا عبدالرحمن [بن عوف] إنكم أصحابي، و عليّ بن أبي طالب أخي و منّي و أنا من عليّ، فهو باب علمي و وصيّی، و هو و فاطمة و الحسن و الحسين هم خيرُ الأرضِ عنصرًا و شرفًا و كرمًا»^۲.

این حدیث نیز مانند مجموعه احادیث «باب»، بیانگر جایگاه والای علمی و مرجعیت امام علی (علیه السلام) در میان امت است و افزون بر آن، امام (علیه السلام) را مبین و وحی الهی پس از پیامبر خاتم ﷺ بر می‌شمرد و محبت به او را ایمان، و کینه به او را نفاق می‌داند. نیز آشتی و جنگ با او را آشتی و جنگ با پیامبر ﷺ می‌خواند و بیان می‌کند که او و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام)، بهترین نشانه میان آن پیامبر و امت هستند. از همین رو است که اهل بیت رسول خدا ﷺ، بهترین مرجع علمی در میان امت پس از آن گرامی هستند.

ج) حدیث «عتبة علمی»

از ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«عليّ عتبة علمی» (صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛

۱. قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۱۷ (به نقل از موفق بن أحمد خوارزمی و با ذکر سند از او).

۲. قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۳۳۳. نیز از ابن عدی نقل شده است: «عليّ باب علمی» ر.ک: همان: ص ۳۹۳.

احمد بن الصدیق المغربي، ص ۴۷)

این حدیث، امام علیه السلام را آستانه و ورودگاه علم پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و همان نتایجی که از احادیث گذشته گرفته شد، برای این حدیث نیز صادق است. از این حدیث، نیز می‌فهمیم که بهترین مرجع برای امت، امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل بیت علیهم السلام - به عنوان شاگردان اول مکتب رسول خاتم صلی الله علیه و آله - هستند.

بررسی سند و متن حدیث «باب» از دیدگاه منابع اهل سنت

بررسی سند

ذیل حدیث «باب»، بیان شد که حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عباس نقل کرده؛ سپس می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه». (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۷)

برخی از حدیث شناسان، ضمن این‌که بر ابن جوزی اشکال کرده‌اند، بر این باورند که «این حدیث به درجه حسن منتهی می‌شود و ضعیف نیست؛ چه رسد به این‌که موضوع باشد. و ابن حجر گفته که حاکم آن را صحیح دانسته و ابن جوزی با وی مخالفت کرده و کذبش دانسته؛ ولی صواب، بر خلاف قول آن دو است و حدیث حسن است؛ نه صحیح و نه کذب». (الفتنی، ص ۹۵)

ابن حجر می‌گوید: «این حدیث، طرق فراوان در مستدرک حاکم دارد و کمترین احوال این حدیث، این است که اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود». (ابن حجر، ج ۲، ص ۱۲۳)

مناوی، می‌نویسد که ابن جوزی، ذهبی، ابوزرعه و ابن معین، این حدیث را موضوع، غیر ثابت و بدون اصل دانسته‌اند، و می‌افزاید: «أبو الشیخ [ابن حبان] این حدیث را صحیح دانسته... و گروهی از امامان، از جمله حافظ علایی از او پیروی کرده، گفته است: هرکس حکم به وضع این حدیث بدهد به خطا رفته، و صواب آن است که به اعتبار طرقش، حسن است؛ نه صحیح و نه ضعیف. و از الفاظ منکری

نیست که عقلها آن را برنتابد... زرکشی نیز گفته: این حدیث، به درجه حسن می‌رسد و می‌توان به آن احتجاج کرد و ضعیف نیست؛ چه رسد به آنکه موضوع باشد. نیز در لسان المیزان، برای این حدیث، طُرُق فراوان از مستدرک وجود دارد که کمترین احوالش این است که این حدیث، اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود. و خطیب در تاریخ، حدیث را با لفظ مزبور، از معاویه بن أعمش، از مجاهد، از ابن عباس آورده، سپس می‌گوید: قاسم گفت: از ابن معین درباره این حدیث پرسیدم، گفت: صحیح است. خطیب می‌گوید: مرادش این بوده که این حدیث، از طریق أبو معاویه صحیح است و باطل نیست زیرا بسیاری از افراد از او نقل کرده‌اند و ابن حجر به حُسن این حدیث فتوا داده و بخاری نیز از او پیروی کرده و گفته: «این حدیث، حسن است». (مناوی، ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱)

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که دو دیدگاه درباره حدیث «باب» وجود دارد: یکی دیدگاه نفی؛ دیگری دیدگاه اثباتی. افرادی چون ابن تیمیه، با اعتماد بر نظر ابن جوزی، این حدیث را تکذیب می‌کنند. اما حدیث شناسانی چون ابن معین و حاکم نیشابوری، حدیث را «صحیح» و یا «حسن» دانسته‌اند. با این اوصاف، کمترین درجه این حدیث شریف، نزد بسیاری از حدیث شناسان اهل سنت، این است که «حسن» است.

بررسی متن

این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلیّت و مرجعیّت امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) در میان امت پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. در این باره به شرح مناوی، درباره حدیث باب اکتفا می‌کنیم. وی می‌گوید: «به راستی، مصطفی (صلی الله علیه و آله)، شهری جامع برای معانی همه دیانات است و ناگزیر باید این شهر را دری باشد و خبر داده است که در این شهر، همان علی کرم الله وجهه است. پس هر آنکه راه وی را بگیرد، به شهر وارد می‌شود؛ و هر آنکه آن را گم کند، راه هدایت را گم می‌کند. و موافق و



مخالف و دشمن و همراه، همگی به اعلمیّت او گواهی داده‌اند». (همان)

اکنون از جناب ابن تیمیّه باید پرسید که وی با کدام استدلال، دروغ بودن این حدیث شریف را از خود متن، به دست آورده است؟! بر سخن مناوی می‌افزاییم که فراوان بودن مبلّغان و تواتر نقل از سوی آنان، منافاتی با آن ندارد که رسول خدا ﷺ، تبلیغ خویش را از مسیر شاگرد اوّل معصوم و مصون از خطای خویش گسترش دهد. این‌گونه سخنان، ریشه در نادیده انگاشتن مقام عصمت امام علی و همسان انگاشتن وی یا حتی پایین‌تر دانستن آن حضرت از سایر صحابه دارد؛ به همین دلیل است که به راحتی، اجتهاد در برابر نصّ می‌کنند.

جالب است که بر وزن حدیث «أنا مدینه العلم و علیّ بابها»، سخنانی «بدون سند» یا «مرفوع» یا «ضعیف» بر ساخته و به رسول خدا ﷺ نسبت داده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «أنا مدینه العلم و أبوبکر أساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفاها و علیّ بابها»

۲. «أنا مدینه العلم و علیّ بابها و معاویه حلقتها».

عجلونی، دربارهٔ بر ساخته نخست، می‌نویسد: «الدیلمی بلا إسناد عن ابن مسعود رفعه...». همو در نقد دو سخن یاد شده و تحسین حدیث «باب» می‌نویسد: «قال فی المقاصد بالجملة فكلّها ضعيفة و ألفاظ أكثرها رکیكة؛ و أحسنها حدیث ابن عبّاس بل هو حسن».^۱

واقعیت این است که ابن تیمیّه، در برخورد با هریک از فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، بر استدلالهای ناستوار تکیه می‌کند، مسلّمات روایی و تاریخی نزد اهل سنت را نادیده می‌گیرد، به مرجعیت زدایی از ساحت مقدّس اهل بیت علیهم‌السلام و مرجعیت‌سازی

۱. ر.ک: عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴. برای آگاهی بیشتر از حدیث «باب» و بررسی شبهات پیرامون آن، ر.ک: حسینی میلانی، ص ۲۲۶ - ۲۲۹. نیز، ر.ک: علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۱۱؛ رضوانی، ص ۱۶۰ - ۲۰۴؛ رضوانی، ص ۸۹ و ۹۰.



در مقابل آنان، همّت می‌گمارد^۱ که حدیث «باب»، یکی از این نمونه‌ها است. نظریه وی درباره مجموعه احادیث «باب»، از دو حالت خارج نیست؛ یا این همه نظرات اهل سنت درباره صحّت و حُسن حدیث «باب» را ندیده، که پژوهشی ناتمام انجام داده و زبینه یک پژوهشگر نیست؛ و یا دیده - ولی نادیده انگاشته - که کاری نکوهیده، خارج از انصاف و به دور از اصول پژوهش علمی است.

نتیجه

با بررسی حدیث «باب» در منابع اهل سنت - از یک سو - و سیره ابن تیمیه در برخورد یک سویه و هدفمند با فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) - از دیگر سوی - نتیجه گرفته می‌شود که مجموعه احادیث «باب»، با طُرُق گوناگون و با سندهای صحیح و حَسَن در منابع اهل سنت وارد شده است. پس نظریه ابن تیمیه درباره حدیث «باب» - که مبتنی بر دیدگاه ابن جوزی و یک‌سویه‌نگریهای وی است - پذیرفتنی نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ر.ک: ابن تیمیه، ج ۴، ص ۳۱ - ۳۸؛ محمد بن عبد الوهّاب، ج ۴، ص ۶۳ و ۶۴ (توجیه آیه «تطهیر» و شأن نزول آن)؛ ابن تیمیه، همان: ج ۴، ص ۵۲ - ۵۵ (عدم پذیرش نزول آیه «مباهله» در خصوص اهل بیت (علیهم‌السلام))؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۸ (تضعیف و توجیه حدیث «ثقلین»؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ (تضعیف حدیث «سفینه» و ادّعی این که هیچ اسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود)؛ همان: ج ۴، ص ۲۱۶ - ۲۵۲ (تضعیف حدیث «أفضاکم علی»؛ همان: ج ۴، ص ۲۴۸ - ۲۵۰ (توجیه حدیث «سلونی») و....

منابع

١. ابن ابی جمهور، احسانى. عوالى اللآلى. قم: انتشارات سید الشهداء، ١٤٠٥ ق.
٢. ابن أبى الحديد. شرح نهج البلاغة. تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم. نشر: دار إحياء الكتب العربية، چاپ: انتشارات کتابخانه آية الله العظمى مرعشى نجفى.
٣. ابن تيمية حرانى. منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة و القدرية (منهاج الاعتدال فى نقض كلام أهل الرفض و الاعتزال). تحشيه و تخريج: عبدالله محمود محمد عمر. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ ق.
٤. ابن حجر عسقلانى. لسان الميزان. بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.
٥. ابن سعد. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
٦. ابن عساکر. تاريخ مدينة دمشق. تحقيق: على شيرى. بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق.
٧. ابويعلی موصلى تميمى، أحمد بن على بن مثنى. مسند أبى يعلى الموصلى. تحقيق: حسين سليم أسد، دارالمأمون للتراث - دارالثقافة العربية.
٨. احمد بن الصديق مغربى. فتح الملك العلى بصحة حديث باب مدينة العلم على. تحقيق: محمد هادى أمينى. اصفهان: مكتبة أمير المؤمنين.
٩. إربلى، على بن عيسى بن أبى الفتح. كشف الغمة فى معرفة الأئمة. بيروت: دارالأضواء، ١٤٠٥ ق.
١٠. ألبانى، محمد ناصر الدين. ضعيف سنن الترمذى. تحقيق: زهير الشاويش، رياض: مكتبة الإسلامى، ١٤١١ ق.
١١. حاكم حسانى، عبدالله بن أحمد. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة فى أهل البيت. تحقيق: شيخ محمد باقر محمودى. مجمع إحياء الثقافة الإسلامية (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى)، ١٤١١ ق.
١٢. حاكم نيشابورى، محمد بن محمد. المستدرک على الصحيحين. تحقيق: دکتر يوسف مرعشلى، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ ق.
١٣. حسينى ميلانى، سيد على. دراسات فى منهاج السنة لمعرفة ابن تيمية (مدخل لشرح منهاج



الكرامة). قم: حقایق، ۱۴۲۶ ق.

۱۴. ذهبی، أبو عبدالله شمس الدین محمد بن أحمد. میزان الاعتدال. تحقیق: علی محمد البجاوی،

بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ ق.

۱۵. راغب اصفهانی. المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۶. رضوانی، علی اصغر. ابن تیمیة مؤسس افکار و هأیات. قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.

۱۷. ———. مرجعیت دینی أهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران،

۱۳۸۶ ش.

۱۸. زمخشری، محمود بن عمر. الفائق فی غریب الحديث. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

۱۹. سقاف، حسن بن علی. تناقضات الألبانی الواضحات. دارالإمام النووي، ۱۴۱۸ ق.

۲۰. سیوطی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن بن أبی بکر. الجامع الصغير. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. ———. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. نشر: دارالمعرفة، چاپ:

جدّه - فتح، ۱۳۶۵ ق.

۲۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف. سبل الهدی و الرشاد (سبل الهدی فی سیرة خیر العباد). تحقیق:

عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.

۲۳. طبرانی لخمی، سلیمان بن أحمد بن أيوب. المعجم الكبير. تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی،

قاهره: مكتبة ابن تیمیة.

۲۴. عبدالله بن الصديق المغربي الغماری. رد اعتبار الجامع الصغير. (باب التيسير فی رد اعتبار الجامع

الصغير). تحقیق: شیخ أحمد درویش. شيكاغو: مدرسه باز.

۲۵. عبدالله بن عدی جرجانی، أبو أحمد. الكامل فی ضعفاء الرجال. تحقیق: دکتر سهیل. بیروت:

دارالفکر، زکار، ۱۴۰۹ ق.

۲۶. عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد. كشف الخفاء و مزيل الالباس. بیروت: دارالکتب العلمیة،

۱۴۰۸ ق.

۲۷. علوی، سید علی بن محمد. دفع الارتیاب عن حدیث الباب. نشر: دارالقرآن الکریم، چاپ: شرف،

لیتوگرافی کرمانی.

٢٨. الفتی، محمد طاهرین هندی. تذکره الموضوعات.

٢٩. قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد أنصاری. الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی). بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ١٤٠٥ ق.

٣٠. قندوزی حنفی، سلیمان بن إبراهیم. ینایع المودّة لذوی القربی. تحقیق: سیّد علی جمال أشرف الحسینی، دارالأسوة، ١٤١٦ ق.

٣١. مبارکفوری. تحفة الأخوذی فی شرح الترمذی. بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٠ ق.

٣٢. متقی هندی. کنز العمال. تحقیق: شیخ بکری حیانی، شیخ صفوة الصفا. بیروت: مؤسسة الرسالة.

٣٣. محمد بن عبد الوهاب. المسائل التي لخصها شيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب من فتاوى ابن تيمية. رياض: دار عالم الكتب، ١٤٠٨ ق.

٣٤. مناوی، محمد عبد الرؤوف. فیض التقدير شرح الجامع الصغير. تحقیق: أحمد عبد السلام. چاپ و نشر: بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ ق.

٣٥. موفق خوارزمی، موفق بن أحمد بن محمد مکی خوارزمی. المناقب. تحقیق: شیخ مالک المحمودی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی (التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة)، ١٤١١ ق.

٣٦. هيثمى، نور الدين. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٠٨ ق.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی